

رسانه و سکولاریسم



طاها حسینی

انشاره
رسانه ابزاری است که می توان آن را در جهت نشر ارزش های دینی به کار برد؛ اما
به دلیل برخاستن رسانه از فرهنگ و تمدن غرب، بایستی به رابطه و چگونگی تعامل
رسانه و سکولاریسم آشنا بود تا رسانه در دامان سکولاریسم قرار نگیرد. رسانه
دینی، رسانه ای است که ضمن درک صحیح دین، مرزهای خود با سکولاریسم و
رسانه سکولار را به خوبی بشناسد. نوشتار حاضر بخشی است کوتاه در مقوله
رسانه و سکولاریسم.

پژوهشگاه علمی و مطالعات
دینی و علوم اسلامی

شاید آن‌گاه که «مارتین لوتر» کشیش معترض و متفکر مسیحی در مقابل واتیکان به مبارزه برخاست، گمان نمی‌برد روزی او سردمدار دیدگاهی معرفی شود که در قرن ۱۹ و ۲۰ به مخالفت اساسی با دین بپردازد. اساساً واژه سکولار و سکولاریسم با توجه به نگاه و جهان‌بینی افراد مختلف در معانی متفاوتی به کار گرفته شده است. تردیدی نیست که مارتین لوتر

یک ضد مذهب

و مذهب‌گریز نبود؛ او فقط

یک کشیش معترض بود!

معارض به سیاست‌های

نادرست واتیکان. همین

سیاست‌ها بود که باعث فرار

متفکران غرب از دین و به

حاشیه راندن دین و دین‌مداری در اروپا

شد.

نیک است برای شناخت و درک صحیح‌تر

اصطلاح سکولار و سکولوم از زمانی به طور رسمی مطرح شد که سال ۱۹۴۶ در منطقه رستفالن آلمان طبق قانون حاکمیت ملی، تمام املاک کلیسا به تملک دولت وقت درآمد.

ابتدا به بررسی واژه «سکولار» بپردازیم: سکولاریسم را دنیایی این جهانی و جدایی از کلیسا و دین معنا کرده‌اند.^۱ در علوم سیاسی سکولاریسم به جدایی دین از سیاست تعبیر می‌شود. «ویر» در تعریف آن گفته است: «جدا بودن جامعه دینی از جامعه سیاسی، به

به واقع هوشمندی انسان به حدی است که بعد از دوره اولیه استعجاب و شیفتگی در برخورد با یک تکنولوژی جدید، راه‌های خاص خود را برای تحمیل فرهنگ و منویات خویش بر آن تکنولوژی پیدا می‌کند.

گونه‌ای است که دولت حق هیچ‌گونه اعمال قدرت در امور دینی را نداشته باشد و کلیسا نیز نتواند در امور سیاسی مداخله کند.^۲ همان‌طور که در ابتدای بحث به آن اشاره شد، سکولاریسم از ابتدا گرایشی ضد دینی و الحادی نبود، بلکه به صورت «حرکتی اصلاح‌طلبانه با اعتراض به شیوه حاکمیت کلیسا و بارهبری اندیشمندان مسیحی چون سنت آگوستین و مارتین لوتر آغاز شد و تحولاتی را در جامعه و کلیسای آن زمان به همراه داشت».^۳

در واقع با گذشت زمان، هرچه از دوره رنسانس گذشت، در نظر سکولاریسم تغییرات بیش‌تری صورت پذیرفت. در مقابل، نظریه پردازانی چون بلا، لاکمن و استارک و بین بریج با نفی این دیدگاه تأکید کرده‌اند: «با وجود عقل‌گرایی و مبانی علمی و فناورانه جامعه معاصر، دین، خصلت متعادل خود را از دست خواهد داد و مظاهر خاص مذهبی دستخوش تغییر مشهود خواهند شد؛ ولی دین همچنان جایگاه خود را به عنوان کانون توجهات بشری حفظ خواهد کرد».^۴

به واقع، پایه‌های دیدگاه‌های علمی-فلسفی از خدا، محوری به عقل محوری و اصالت انسان تغییر یافت و همه چیز دنیایی تفسیر شد.

ماکیاول که خود را رهرو آگوستین قدیس می‌داند، اذعان کرد: «هدف سیاست جلب رضایت خداست.» ولی معتقد بود سیاستی خداوند را راضی می‌کند که رضایت انسان را به دست آورد و رضایت خدا در رضایت انسان خلاصه می‌شود. این نقطه آغازین سکولاریسم است.^۵

این گونه بود که خدامحوری به انسان‌محوری تبدیل شد و این عقل بود که ملاک همه چیز قرار

گرفت. در این بین، اهمیت ایمان و اعتقادات

و ارزش‌های دینی از بین رفت. باید دانست

شروع دوران سکولاریسم که با رنسانس

همراه بود و در پی آن ایمان مسیحی با

انسان‌گرایی فلسفی^۶ غربی متجددمی‌گردد و

به عقل‌گرایی افراطی^۷ می‌انجامد، در ارتباط

مستقیم با مسیحیت است و به همین دلیل،

واژه سکولار و سکولاریسم در برخورد با

ادیان و فرهنگ‌های متفاوت تغییر معنا و

مفهوم خواهد داد. گفتنی است اصطلاح

سکولار و سکولوم از زمانی به طور رسمی

مطرح شد که سال ۱۹۴۶ در منطقه رستفالن

آلمان طبق قانون حاکمیت ملی، تمام املاک

کلیسا به تملک دولت وقت درآمد^۸ اساس

پیدایش سکولاریسم در «غرب مسیحی»

بود. آثار موجود درباره سکولاریسم که

توسط روشنفکران و متفکران غربی نوشته

شده، نشان می‌دهد که اغلب بحث‌های این

حوزه به جهان مسیحی غربی مربوط است.

مارتین (۱۹۹۱) با مقایسه اروپا، آمریکای

شمالی و خاورمیانه تصریح می‌کند که

سکولاریسم پدیده‌ای بیش‌تر اروپایی است

و با کشمکش‌هایی میان کلیسا و نیروهای

دنیوی در تاریخ اروپا و در اوایل دوره جدید

ارتباط دارد. این کشمکش‌ها که دین را در

غرب تا اندازه‌ای از اعتبار انداخت، در جایی

دیگر رخ نداده است.^۹



**می توان ادعا کرد
چنانچه دیگر کشورها،
تجدد به سبک کشورهای
غربی مسیحی را الگوی خود
قرار دهند، با پی آمدهای
سکولاریسم روبرو
خواهند شد.**

نمی توان به طور قطعی گفت که سکولاریسم پدیده‌ای کاملاً مسیحی و غربی است یا با جریان صنعتی شدن و تجدد غربی پیوند دارد؛ ولی می توان ادعا کرد چنانچه دیگر کشورها، تجدد به سبک کشورهای غربی مسیحی را الگوی خود قرار دهند، با پی آمدهای سکولاریسم روبرو خواهند شد.^{۱۰}

آیا رسانه ذاتاً سکولار است؟

دربارۀ تعامل رسانه و سکولاریسم و نسبت این دو به هم، گروهی معتقدند رسانه ذاتاً سکولار است.

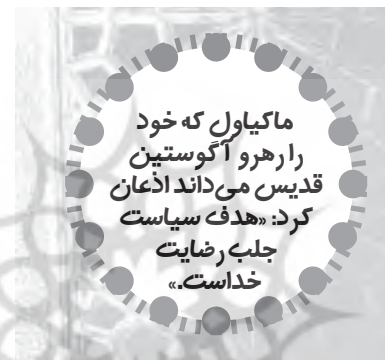
نظریه مزبور بر این مبنا است که برای نمونه، رسانه‌های تصویری که فرآورده‌ای تکنولوژیک از فرهنگ و تمدن غرب هستند، به علت ماهیت و ذات خود، اقتضایی جز آنچه در بستر آن روییده (فرهنگ سکولار غربی) ندارند.

حال این سؤال پیش می آید که آیا ضرورتاً میان این تکنولوژی و متن فرهنگی تمدنی و سکولار رسانه پیوند محتوایی وجود دارد؟^{۱۱}

این گروه معتقدند رسانه به علت سرچشمه گرفتن از تمدن و فرهنگ غرب، تحمیل کننده همان فرهنگ خواهد بود. پس هیچ فرقی نمی کند که رسانه در شبه جزیره عربستان باشد یا در ایالات متحده آمریکا و در هر دو حوزه فرهنگی و تمدنی، یک خروجی دارد: «ترویج فرهنگ سکولار». در پاسخ به این دیدگاه باید گفت: آیا صنعت چاپ که فن آوری برخاسته از همین فرهنگ (فرهنگ سکولار) است و به کشورهای دنیا

صادر شده، هم اکنون مروج سکولاریسم است؟

چه بسیار کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجلات و رساله‌هایی که در نقد سکولاریسم، لائیسزم، لیبرالیسم و ... به چاپ رسیده است. به نظر می رسد رسانه اگر چه از فرهنگ سکولار برخاسته باشد، می تواند علیه همان فرهنگ به کار گرفته شود. پس این نظریه که رسانه ذاتاً مروج سکولاریسم است نقض می شود. به واقع هوشمندی انسان به حدی است که



**ماکیاول که خود
را رهرو آگوستین
قدیس می داند اذعان
کرد: «هدف سیاست
جلب رضایت
خداست.»**

بعد از دوره اولیه استعجاب و شیفتگی در برخورد با یک تکنولوژی جدید، راه‌های خاص خود را برای تحمیل فرهنگ و منویات خویش بر آن تکنولوژی پیدا می کند.^{۱۲}

البته برای جلوگیری از نفوذ فرهنگی سکولاریسم توسط رسانه باید به نکاتی توجه نمود که از آفات رسانه به شمار می آیند. برای نمونه، یکی از شاخص‌های برنامه‌سازی در رسانه‌ای مانند تلویزیون، انطباق برنامه‌ها با میل و انتظار مخاطب است.

از طرفی ممکن است به دلیل مختلف، سلايق مخاطبان دچار انحراف شده باشد؛ بنابر این اگر رسانه تنها به دنبال راضی کردن مخاطب و تأمین سلیقه وی باشد، به عرفی‌گرایی رسیده است و خود مروج فرهنگ غلط خواهد بود. امروزه رسانه به صورت یک ابزار مهم با دایره‌ای گسترده از



مخاطبان چنان اهمیتی دارد که جامعه دینی را وادار می سازد تا با تعیین راه‌کارهای صحیح و استراتژی مناسب، اولاً رسانه را به نفع اهداف خود به کار گیرند و ثانیاً در مقابل آفت‌ها و تهاجم‌های دنیسای غرب تاکتیکی مناسب در پی گیرند.

برخلاف تصور کسانی که می گویند رسانه ابزاری صددرصد سکولار و مناسب نظام غیر دینی است، باید گفت: رسانه قابلیت‌ها و اقتضائات ویژه‌ای دارد که با شناخت و به کارگیری مناسب، می توان آن را در راستای اهداف دینی به خدمت گرفت.

پی‌نوشت‌ها

۱. فرهنگ آکسفورد.
۲. اعوانی و دیگران، «میزگرد سکولاریسم»، نامه فرهنگ، ش ۶، ص ۲۱، ص ۱۵.
۳. محمد سلیمی، مقاله «فرهنگ، رسانه و فرآیند سکولاریزاسیون»، رسانه تلویزیون و سکولاریسم، قم، ۱۳۸۶.
۴. دکتر ناصر باهنر، مقاله «تمام ریشه‌های سکولاریسم در نظریه‌های هنجاری رسانه»، رسانه تلویزیون و سکولاریسم، قم، ۱۳۸۶.
۵. شمس الله مریچی، سکولاریسم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲، ص ۲۷.
۶. Humanism.
۷. Rationalism.
۸. منوچهر آشتیانی، سکولاریسم و علل جامعه‌شناختی تکوینی و رشد آن، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۷۴، ص ۲۵.
۹. همیلتون ملکم، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، تیبان، ۱۳۷۷، ص ۳۱۶ - ۳۱۷.
۱۰. دکتر ناصر باهنر، پیشین.
۱۱. مهندس ابوطالبی، مقاله «سکولاریسم و تلویزیون»، رسانه تلویزیون و سکولاریسم، قم، ۱۳۸۶.
۱۲. همان.

